

از خود مختاری تا خود سوزی: گذشته و حال زنان کُرد

آواهما

سیاحان غربی اغلب از این واقعیت به شگفت آمده اند که در دوران امپراطوری های عثمانی و ایرانی، زنان کُرد حاکمان و فرمانروایان مناطق خودمختار کُرد نشین بوده اند، اتفاقی که در مناطق همسایه نظیر نداشته است. مارتین وان برونسن، پژوهشگر معروف کُردشناس اذعان می دارد که "در مناطق خاصی از کردستان، حاکمیت زنان چنان رواج داشته که در اسناد قوانین مرسوم (قانون نامه) عثمانی ها به صراحت به آن اشاره شده است.¹" قانون نامه "شماره زور" شامل بندهایی می باشد که نشان می دهد انتقال حاکمیت به جانشین دختر کاملاً مرسوم و پذیرفته شده بوده است.

با این حال، امروزه نرخ هشدار دهنده خود سوزی در میان زنان کُرد ایرانی² نه تنها برای این کشور نگران کننده است، بلکه باید زنگ خطری باشد برای همه فمینیست ها و فعالان حقوق بشر در سراسر جهان. خودکشی از طریق آتش زدن خود (خودسوزی)، در کشورهای توسعه یافته 0.06 تا 1 درصد³ نرخ کل خودکشی ها را شامل می شود. در ایران، 71 درصد⁴ خودکشی ها از طریق خود سوزی صورت می گیرند، که بیشتر آنها توسط زنان در استان کرمانشاه (که در بین کردها به کرماشان معروف است) و استان ایلام اتفاق می افتد. اکثریت قربانیان زنان 18 تا 27 ساله هستند.⁵ این مقاله نگاهی خواهد انداخت به اینکه زنان کُرد در گذشته چگونه زندگی می کردند، چه عواملی منجر به فاجعه اجتماعی امروز شده است و چه اقدامات پیشگیرانه ای می توان و باید جهت جلوگیری از آن اتخاذ کرد.

تاریخچه

دو تصویر متناقض از زنان کُرد در رسانه های بین المللی موج می زند. آنها به عنوان زنان مبارز شجاعی که با یکی از فاسد ترین گروههای تروریستی زمانه، یعنی داعش می جنگند، خبر ساز می شوند. زنان کُرد همچنین به عنوان حاکمان قبیله و قلمروهایشان شناخته شده اند. آنان زنان بی حجاب خاورمیانه ای هستند که پیراهن های رنگارنگ به تن می کنند، دست در دست مردان می رقصند و همپای مردان در عرصه های کار، جنگ و خانواده حضور می یابند.

در سمت مقابل این طیف، زنان کُرد قربانی اشکال متنوع خشونت آشکار و پنهان از جمله ضرب و شتم و قتل های ناموسی، ناقص سازی جنسی و از همه چشمگیرتر خود سوزی بوده اند.⁶ برای درک بهتر این تناقض، مهم است که به زمینه تاریخی آن نظری داشته باشیم.

در تمام کشورهایی که کُرد ها ساکن بوده اند، به آنها به عنوان تهدیدی برای تمامیت ارضی کشورهای حاکم نگریسته شده و برای از بین بردن این خطر، راهکارهای مختلف نابودی -از جمله کشتار با گاز سمی، اعدام و بازداشت های خودسرانه - و یا یکسان سازی از طریق تخریب زبان و فرهنگ، اقداماتی صورت گرفته است.⁷

بنابراین، علی رغم مرزهایی که کُردها را در چهار کشور مختلف از هم جدا کرده اند، تاریخ تلخ و مصیبت های مشابه، بعلاوه زبان و فرهنگ مشترک، وابستگی عمیقی بین آنها به وجود آورده است. صرفنظر از عوامل جداکننده جغرافیای سیاسی، به طور مثال آنچه که برای کردهای ترکیه اتفاق می افتد، بر کردهای ایران، سوریه و عراق نیز تاثیر می گذارد.

فجایعی که برای کردها اتفاق افتاده است، آنها را به هم نزدیک کرده و هر یک از این مصائب بر زنان کُرد و جایگاه آنها در جوامع کُرد و همچنین جوامع حاکم، تاثیر گذار بوده است. توجه به این ارتباط متقابل برای درک تاثیرات فرهنگی "بین کشوری" که واقعیت زندگی زنان کُرد را شکل داده و می دهد اهمیت دارد.

زنان کرد به عنوان حکام و فرمانروایان

تاریخ کُردها پر است از نمونه های زنان قدرتمند که البته محدود به نمونه های مذکور در این متن نمی شود. از جمله آنان عادلہ خاتون از خاندان اردلان (واقع در سندج کنونی در استان کردستان ایران) بود که با عثمان پاشا از حلبچه (کردستان عراق) ازدواج کرد. وی دادگاهی برای برقراری عدالت تشکیل داد و خود ریاست آن را به عهده گرفت. قدرت و نفوذ او تا زمان مرگش در سال 1924 پابرجا بود. در سال 1920، حبسه خان (در سلیمانیه، واقع در کردستان عراق) با خانواده حاکم از دولت خودمختار شیخ محمود وصلت کرد. او به تعلیم و تربیت، اهمیت بسیار می داد و برای سوادآموزی زنان تلاش کرد. لیلا زانا، از زنان کُرده معاصر، متعلق به یک خانواده سطح پایین بود. لیلا در سن چهارده سالگی با یک نفر از خویشاوندانش که تقریباً بیست سال از او بزرگتر بود ازدواج کرد. همسرش نیز یک رهبر سیاسی کُرده بود، اما لیلا از شوهر خود پیشی گرفت و به یکی از برجسته ترین شخصیت های کُرده تبدیل شد. او هم اکنون یکی از نمایندگان پارلمان ترکیه است.⁸

سازمان های زنان کُرده

دومین سازمان رسمی زنان کُرده در ایران در سال 1945 در دوران جمهوری مهاباد (که به جمهوری کردستان نیز معروف است) تاسیس شد. اولین نمونه از چنین سازمان هایی پیش از این در سال 1919 توسط نخبگان استانبول تاسیس گردیده بود. در دوران خودمختاری کُردها، زنان با نام 'حزب زنان' فعالیت خود را آغاز کرد. این حزب، زنان را تشویق می کرد تا پا از خانه بیرون نهند و در زندگی عمومی مشارکت داشته باشند. در بند 21 از فصل چهارم قانون اساسی جمهوری کردستان آمده است: "زنان باید در تمام امور سیاسی، اقتصادی و اجتماعی از حقی برابر با مردان برخوردار باشند."⁹ دو تن از شانزده رهبر کرد که در روز 18 ژانویه 1946، تنها 6 روز پیش از تاسیس جمهوری کردستان، سخنرانی کردند زن بودند. نامهای ایشان خدیجه صدیقی و عصمت قاضی بود و هر دو در سخنرانی هایشان بر آموزش و پرورش زنان تاکید کردند.¹⁰

در دوران معاصر، زنان کُرده در منطقه نیمه مستقل کردستان در شمال عراق موفق شدند پناهگاه های مخصوص زنان تاسیس کنند، خط تلفنی مخصوص برای مقابله با خشونت خانگی راه اندازی کنند و جامعه خود را در مورد حقوق زنان آگاه سازند. علی رغم وجود چنین نقاط روشنی در تاریخ کُردها - که ردپای آن را در آثار فولکلور نیز می توان یافت - این فرهنگ در بطن خود با ایده های مدرن فمینیستی ناسازگار بوده و هست. در تاریخ کردستان هرگز به زنان به عنوان افرادی مستقل و دارای حقوق برابر با مردان نگریسته نشده، بلکه نقش آنان تنها به عنوان مادران میهن مورد قدردانی قرار گرفته است. با این وجود، شناخت تاریخ به درک این نکته کمک می کند که "بی کشوری"، برای کُردها با تبعیضات جنسیتی ارتباطی تنگاتنگ دارد.

خودسوزی در کردستان ایران

در ایران قوانین زن ستیز، همه زنان را فارغ از مذهب، قومیت، معلولیت و یا گرایش جنسی شان تحت تاثیر قرار داده است، ولی فشار و سرکوب در گروه های اقلیت، یعنی ایرانیانی که به مذهب شیعه اثنی عشری اعتقاد ندارند، چندین برابر بیشتر است. زنان کُرده به طور خاص تحت سطوح مختلفی از انواع تبعیضات قرار دارند. از جمله: تعصبات ملی کشور حاکم، رسوم مردسالارانه و تعصبات خود کُردها، زن ستیزی گروه های اسلامی و جنگ های مداوم. همچنین "بی کشوری" باعث شده است زنان کُرده در مطالعات انجام شده در خاورمیانه و غرب تا حدود زیادی نادیده گرفته شوند.

امروزه استان کرمانشاه بالاترین نرخ خودسوزی زنان در جهان را داراست. طبق تحقیقی که در بیمارستان شهر کرمانشاه انجام شده است، اکثر قربانیان خودسوزی، زنان، سالخوردگان، افراد کم سواد (بی سواد یا دارای سطح تحصیلات ابتدایی) و متاهل بوده اند. تحقیق دیگری در استان کردستان نشان داد که 58 درصد قربانیان سوختگی، زیر 20 سال بوده اند و 5/76 درصد سوختگی ها منجر به مرگ می شود که میزان مرگ و میر در زنان بیشتر از مردان است¹¹ دلایل رایجی که بیماران زن برای خودسوزی عنوان کرده اند، عبارتند از: اعتیاد همسران، تعدد زوجات، عدم درک همسران و اختلاف سنی.

اختلال روانی

تابوهایی که درباره بیماری های روانی وجود دارند اغلب مانع از آن می شود که مردم درک صحیحی درباره آسیب های پنهان همچون افسردگی، که یکی از عوامل شایع خودکشی است، داشته باشند. تحقیقات نشان می دهد که 22 درصد افرادی که خودکشی می کنند از افسردگی، 3/6 درصد آنها از اختلال ترس و 6 درصد آنها از اختلال وسواس اجباری (OCD) رنج می برند. در بیشتر این بیماران سابقه خانوادگی خودکشی وجود داشته است.¹²

بنابراین کمبود آگاهی در مورد سلامت روانی باعث عدم تشخیص و پیشگیری می گردد، به طوری که افراد خودکشی کننده کمکی را که نیاز دارند، دریافت نمی کنند. علاوه بر ننگ اجتماعی که بیماری های روانی در بر دارد، کردها عموماً به مراجع قدرت، از جمله به سیستم های اجتماعی و بهداشت و درمان بی اعتماد هستند. این موضوع، خود چالش مضاعفی برای آنان برای درخواست کمک به هنگام نیاز ایجاد می کند.

اقتصاد

یکی از مشکلاتی که در اکثر قربانیان سوختگی مشترک است مسئله فقر است. منطقه کُردنشین در ایران منطقه محرومی است. بی کاری و مشکل اشتغال، به آسیب پذیری در افراد دامن می زند و می تواند باعث تشدید نگرانی نسبت به آینده و احساس شکست و تنهایی گردد، خصوصاً زمانی که افراد از حمایت های اجتماعی و بیمه های سلامت و درمان برخوردار نباشند. این وضعیت به طور کلی افراد را در معرض زندگی پر استرس قرار می دهد.

برای زنانی که بیشتر وقت خود را به امور خانه داری و مراقبت از فرزندان می گذرانند، مشکلات رایج عبارتند از: عدم دریافت حقوق و قدردانی در قبال وظایف انجام شده و همچنین عدم استقلال اجتماعی و مالی، که اینها به نوبه خود می تواند باعث ایجاد احساس منفی نسبت به خود و کاهش اعتماد به نفس گردد. این عوامل به صورت زنجیره وار منجر به این می شود که این زنان از توانایی پایینی در حل مسائل زندگی برخوردار باشند و درک صحیحی از عواقب اقدام برای خودسوزی، مانند بد شکل شدن، شرمساری و معلولیت نداشته باشند. استفاده از آتش برای خودکشی، همچنین می تواند انتخابی تامل نشده و آبی باشد، زیرا مواد و مصالح مورد نیاز آن (کبریت و ماده مشتعل) در بیشتر خانواده ها قابل دسترس است.

فرهنگ

در یک جامعه کاملاً مردسالار که در آن، هویت مردانه بر اساس میزان کنترل مردان بر زنان سنجیده میشود، بدن زن به عنوان یک 'دارایی در معرض تهدید' برای مردان خانواده شناخته می شود. برای این زنان درمانده، که سوزاندن، تنها راه کنترل داشتن بر بدن خودشان است، استفاده از آتش، بلندترین فریاد برای کمک است.

علاوه بر این، خودسوزی، زمانی که به کرات تکرار شود، به آسانی بخشی از فرهنگ می شود. افرادی که از کودکی بارها عبارت تهدید آمیز "خودم را می سوزانم" را می شنوند، دیگر از شنیدن این عبارت به لرزه نمی افتند.

مرکز گرایی جنبش زنان ایرانی

یک منبع اختلاف بین فمینیست های ایرانی که کمتر به آن توجه شده است، "قوم محوری گروه حاکم" است. بیشتر فعالان حقوق زن یا از تاثیر متقابل قومیت با جنسیت آگاه نیستند و یا از بحث کردن در مورد این موضوع مهم که به یک تابو بدل شده است، واهمه دارند.

ایران از مدت‌ها پیش برای یکسان سازی و محو کردن اقلیت های قومی و مذهبی در داخل مرزهایش تلاش کرده است.¹³ گفتگو درباره هویت جداگانه گروه های مختلف، باعث وحشت ایرانیانی می شود که می پندارند تنوع قومی و دینی، سرزمینشان را به خطر می اندازد و به دیدگاه های تجزیه طلبانه دامن میزند. استقلال طلبی در ایران، نه یک اصطلاح و انتخاب سیاسی، بلکه معادل با "خیانت" به شمار می رود. از طرفی اقلیت ها بی رحمانه به حاشیه رانده میشوند، از طرفی از آنها انتظار میرود در راستای منافع مرکز فکر کنند و تصمیم بگیرند.

در ایران، زنان کُرد به عنوان یک قوم با حقوق مشروع شناخته نمی شوند. به همین جهت، سیاست های سرکوبگرانه و تبعیض آمیز دولت که مستقیماً بر روی زنان تاثیر می گذارد، اغلب نادیده گرفته شده یا انکار می شوند.

با نادیده گرفتن ستم ملیتی که زن کرد (و باقی اقلیتهای زن ایرانی) همزمان با ستم جنسیتی به دوش می کشند، فعالان حقوق زن، خود به عاملی ناآگاه برای بازتولید مردسالاری و خشونت ناسیونالیست حکومتی تبدیل می شوند. این واقعیت حتی درباره برخی فمینیست های ایرانی متولد و بزرگ شده خارج از پایتخت نیز صدق می کند. آنها تلاش می کنند تا به "جریان اصلی جنبش زن ایرانی" کمک کنند تا تبدیل به تنها صدایی بشود که به مشکلات زنان می پردازد. آنها احساس می کنند که باید به جریان اصلی کاملاً وفادار باشند و به آن توجه نشان دهند، زیرا فکر می کنند که این جریان، تنها فریاد قدرتمندی است که مشکلات و مصائب زنان ایران را مورد توجه قرار می دهد.

کمپین آزادی های یواشکی که در آن، زنان تصاویر بی روسری خود را در فیس بوک منتشر کردند حمایت زیادی کسب کرد¹⁴ همچنین کمپینی که برای حق ورود زنان به استادیوم های ورزشی (که زنان، در ایران حق ورود به آنجا را ندارند) تلاش می کرد، بسیار مورد استقبال قرار گرفت. هرچند این اهداف، ارزشمند هستند؛ ولی فعالان زن باید درک کنند که در کشوری که زنان از بی عدالتی های شدیدی چون چند همسری مردان، خودکشی، ناقص سازی جنسی و قتل های ناموسی رنج می برند، اهداف "زیبا" نباید در اولویت قرار گیرند. شکاف بزرگ در همبستگی، یعنی در اولویت ها. علاوه بر این، بیان "مسائل نازیبا" به معنای نشان دادن رخت چرک ها و لایه های پنهان کشوری است که از طرفی به عنوان اهریمن شناخته شده است و از طرفی با وجود داشتن یک دولت مذهبی، مردمش سخت تلاش می کند چهره ای متمدانه از خود به دنیا نشان دهد.¹⁵

علاوه بر این، زنان و مردان در جوامع به حاشیه رانده شده، به یک اندازه تحت انقیاد قومی قرار دارند. شوهران و پدرانی که خود تحت فشار ظلم و ستم هستند، در تعامل با اعضای خانواده شان بیشتر گرایش به خشونت دارند. زن کرد ستم ملی را با مردش و ستم جنسیتی را به تنهایی به دوش می کشد.

به طور کلی، زنان کُرد در ایران در گره کور سرکوب های ملی، سیاسی، اقتصادی و جنسیتی گرفتار آمده اند. فعالان حقوق گروه های به حاشیه رانده شده، بر این باورند که چون تمام زنان در ایران تحت تبعیض هستند؛ بنابراین، تمرکز بر وضعیت گروه غالب، به معنای چشم پوشی از واقعیات زندگی میلیون ها زنی است که خارج از تهران یا در محله های فقیرنشین آن زندگی می کنند و به نادیده گرفته شدن مشکلات این دسته از زنان دامن می زند. تا زمانی که فمینیست های غالب ایرانی، قوم محوری موجود در جنبش خودشان را به موازات سرکوب های وارده بر زنان به حاشیه رانده شده نپذیرند، جنبش زنان ایران موفق، همه گیر و سربلند نخواهد شد.

نتیجه گیری

تاریخ جنبش رهایی زنان کُرد، همانند خود مردم کُرد، سرکوب شده است. ولی یک جامعه آزاد و مترقی، نیاز به زنان قوی، تحصیل کرده و فعال دارد. ملی گرایی نباید مانعی برای آزادی زنان باشد. صرف نظر از اینکه دامن فرهنگ، چگونه به ننگ زن ستیزی آلوده گشته، احقاق حقوق زنان باید با جدیت دنبال شود. خودسوزی، که خود یکی از بلندترین بانگ های اعتراضی است، دور باطلی را ایجاد می کند: این کار تبدیل به چنان رویداد آشنا و رایجی می شود که اهمیتش در چشم قربانیان بالقوه، کم رنگ می شود. آموزش، آگاهی رسانی و پیشگیری می توانند باعث کاهش این فاجعه اجتماعی شود. فعالان و کارشناسان بهداشت، باید با مراجعه به مدارس پسرانه و دخترانه درباره این موضوع و سلامت روان صحبت کنند و با کمک گرفتن از رسانه ها و دیگر ابزارها برای ایجاد گفتگو در باره برابری جنسیتی، خودکشی، پیشگیری از آن و عواقب آن تلاش کنند.

بی نوشت

- ¹ مارتین ون برونسن، "از عادلہ خاتون تا لیلیا زانا: زنان در مقام رهبران سیاسی در تاریخ کرد"، از کتاب "Women of a Non-State Nation: The Kurds" نوشته شهرزاد مجاب، انتشارات Mazda Publishers, Inc.، 2001، صفحات 95-112، http://www.let.uu.nl/~martin.vanbruinessen/personal/publications/Bruinessen_From_Adela_Khanum_to_Leyla_Zana.pdf
- ² زینب سهرابی، علی دل پیشه و حمید تقی نژاد، "Tragedy of women's self-immolation in Iran and developing communities: a review"، <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3462521>، 2012
- ³ سهرابی، دل پیشه و تقی نژاد، همان.
- ⁴ سهرابی، دل پیشه و تقی نژاد، همان.
- ⁵ مارتین ون برونسن، "از عادلہ خاتون تا لیلیا زانا: زنان در مقام رهبران سیاسی در تاریخ کرد"، از کتاب "Women of a Non-State Nation: The Kurds" نوشته شهرزاد مجاب، انتشارات Mazda Publishers, Inc.، 2001، صفحات 95-112
- ⁶ شهرزاد مجاب، "Women of a Non-State Nation: The Kurds"، Costa Mesa, CA، 2001، Mazda Publishers, Inc. ای اطلاعات بیشتر رجوع شود به: لیبا رضایی و دیگران. "Is Self-Immolation a Distinct Method for Suicide? A Comparison of Iranian Patients Attempting Suicide by Self-immolation and by Poisoning." Burns. 37.1 (2011) صفحات 159-163. اینترنت
- ⁷ بهرام گروهی، ۲۰۰۲، "Suicidal behaviour by burns among adolescents in Kurdistan, Iran: A social tragedy." National Center for Biotechnology Information. U.S. National Library of Medicine
- ⁸ مهدی قاضی نور، ناصر مفیدی، یورگ ریختر، اکتبر ۲۰۱۰، "Continuity from suicidal ideations to suicide attempts? An investigation in 18-55 years old adult Iranian Kurds" <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/19756332010>، <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/19756339>، http://www.let.uu.nl/~martin.vanbruinessen/personal/publications/Bruinessen_From_Adela_Khanum_to_Leyla_Zana.pdf
- ⁹ آوا هما، "Ethnocentrism, the weakness of Iranian democratic movements"، <http://www.kurdistan24.net/en/2016/04/24/ethnocentrism-the-weakness-of-iranian-democratic-movements-opinion/9b053ced-46cf-44bb-aabb-96849f67052a/Ava-Homa>
- ¹⁰ آزادی های یواشکی، <http://mystealthyfreedom.net/en>
- ¹¹ کریستوفر تورنتون، "The Iran We Don't See: A Tour of the Country Where People Love Americans"، <http://www.theatlantic.com/international/archive/2012/06/the-iran-we-dont-see-a-tour-of-the-country-where-people-love-americans/258166>
- ¹² آوا هما ۲۴ فوریه ۲۰۱۶، "Ethnocentrism, the weakness of Iranian democratic movements, Kurdistan"، <http://www.kurdistan24.net/en/2016/04/24/ethnocentrism-the-weakness-of-iranian-democratic-movements-opinion/9b053ced-46cf-44bb-aabb-96849f67052a/Ava-Homa>
- ¹³ آوا هما، "Ethnocentrism, the weakness of Iranian democratic movements"، <http://www.kurdistan24.net/en/2016/04/24/ethnocentrism-the-weakness-of-iranian-democratic-movements-opinion/9b053ced-46cf-44bb-aabb-96849f67052a/Ava-Homa>
- ¹⁴ آزادی های یواشکی، <http://mystealthyfreedom.net/en>
- ¹⁵ کریستوفر تورنتون، "The Iran We Don't See: A Tour of the Country Where People Love Americans"، <http://www.theatlantic.com/international/archive/2012/06/the-iran-we-dont-see-a-tour-of-the-country-where-people-love-americans/258166>

